

روی صحنه آبی

کارگردان نمایش «گرگ‌ها در آشپزخانه»:

همه چیز در خدمت یک اجرا است

● آرمان شیرالی‌نژاد، کارگردان نمایش «گرگ‌ها در آشپزخانه»، تجربه‌ای جدید را به صحنه برده است؛ نمایشی که در روزهای آغازین اجرا تا به امروز مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده است.

او درباره تجربه اخیرش گفت: «در این نمایش بر روی تئاتر به‌مثابه بدن متمرکز شدیم و تمرین‌های تمرکزی و حسی زیادی داشتیم. می‌توان گفت این نمایش تا به‌حال در ایران تجربه نشده است. اینکه از ابتدا بسیاری دوست داشتند به‌عنوان بازیگر به این گروه ملحق شوند یا در مقام تهیه‌کننده حضور داشته باشند، اتفاق جالبی بود. در نهایت ما یک جمع ۳۷، ۳۸ نفره شدیم که بازیگران ما همگی از حرفه‌ای‌های تئاتر هستند و البته برخی بازیگران هم در ابتدا به دلیل تمرین‌های بسیار سنگین از ما جدا شدند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «برخی از تمرین‌های ما با چشم بسته انجام می‌شد و به‌مرور تعریف تمرین‌های ما و شیوه‌ای که قصد داریم نمایش را روی صحنه ببریم، به گروه‌های دیگر رسید. از ابتدا قصد داشتیم دو سبک متفاوت را با هم تلفیق کنیم و کار جدیدی انجام بدهیم. قطعاً برای رسیدن به این هدف نیازمند آگاهی بیشتر بودیم. از فارس باقری دعوت کردیم تا در کنار گروه ما باشد. ساعت‌های طولانی با هم صحبت کردیم و متن براساس ایده‌ای که شکل گرفته بود، توسط فارس نگارش شد».



شیرالی‌نژاد ادامه داد: «ما در یک ریتم خاص تمرین می‌کردیم. بازیگران ما ۲۷ دقیقه روی یک پا، با دست بالا تمرین می‌کردند و باید در اجرا نیز چنین حرکتی را حفظ می‌کردند. این اتفاقی نیست که در تئاتر جهان به‌سادگی اتفاق بیفتد. خاترم هست که در تمرین‌های ابتدایی ۲۰ ثانیه هم نمی‌شد چنین انتظاری از بازیگران داشت؛ ولی کم‌کم به لحاظ ذهنی روی بدن‌شان متمرکز شدند. در نمایش ما همه‌چیز در خدمت یک اجرا است».

او در پاسخ به این پرسش که با چه عنوانی این نمایش روی صحنه رفته است؟ گفت: «ظری ندارم که چه اسمی روی این نمایش بگذارم. این یک تجربه نو است. شاید بهتر است که مخاطبان این اثر نامی برایش انتخاب کنند. سعی کردیم عمیق فکر کنیم و تمرین کنیم. از عملکرد مخاطبان نمایش متوجه شدم که بسیاری در ۱۶ دقیقه ابتدایی اجرا نمی‌توانند چشم از صحنه بردارند، دیالوگی گفته نمی‌شود. آوایی در صحنه طنین‌انداز می‌شود. موسیقی و صدا وجود دارد؛ اما وجود هم ندارد. این اتفاق شامل حال بازیبن‌های ما هم شد و گذر زمان را حس نکردند. این اتفاق برای من خوش‌حال‌کننده بود. گاهی با خودم فکر می‌کنم حقیقتاً کاش مکانی برای چنین تجربیاتی در اختیار گروه‌های تئاتری بود و دست‌کم از هزینه‌های این‌ بخش فارغ می‌شدند. من از ناهادهای تمرین‌های تئاتر به یک ایده نو رسیدم. وامدار هیچ‌کس نیستم و سعی برای تئاترم ندارم؛ اما یقین دارم اتفاقی را رقم می‌زنم که با آگاهی از علم روز انجام می‌شود. از طرف دیگر قصد دارم رویکردم را مخاطبان ببینند و درباره درست یا غلط‌بودن آن صحبت کنند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فکر می‌کنم به‌عنوان هنرمند رسالتی داریم. من هم در هنر متعهد شدم که اگر آگاهی در این زمینه به دست آوردم، آن را با دیگران به صحنه ببرم. فکر می‌کنم اهالی تئاتر احترام ویژه‌ای برای چنین تجربه‌هایی قائل هستند. در این دو، سه سال اخیر برخی مناسبات تغییر کرده است و برخی چهره‌های سینما به عرصه تئاتر ورود کرده‌اند و عموماً تجربه‌های خیلی ضعیفی داشتند. شنیدم که در برخی از همین نمایش‌ها، صاحبان اثر خودشان گیشه را خریدند، شاید هم واقعیت نداشته باشد. البته تجربه‌های موفق‌ی هم وجود داشته است. معیار این نیست که صرف حضور چهره‌ها، نمایشی به موفقیت می‌رسد یا شکست می‌خورد. بازیگران فوق‌العاده‌ای در نمایش من حضور دارند که همگی از بازیگرانی هستند که تئاتر را تجربه کرده‌اند. هر کسی تعریف خودش را از هنر دارد؛ اما نکته‌ای که همه درباره آن اتفاق نظر دارند، این است که تئاتر هنر لحظه است. همین ویژگی آن را از موسیقی، سینما و... جدا می‌کند».

او در پایان از تجربه‌ای دیگر در آینده‌ای نزدیک خبر داد و گفت: «تصمیم دارم هر هفته فرم اجراییم را تغییر بدهم. فکر می‌کنم حالا که دارم تجربه می‌کنم، دوست دارم این شکل را اجرا را هم پیش ببرم. تجربه ثابت کرده است ایده‌های جدید را اهالی تئاتر می‌پسندند».

شورای سیاست‌گذاری جایزه ادبی «ارغوان»

شورای سیاست‌گذاری جایزه ادبی «ارغوان» در آستانه برگزاری سومین دوره مطرح کرد:

گام تازه برای ایجاد شبکه ارتباطی بین نویسنده‌های جوان



جایزه باشد و جریان‌ساز باشیم؛ اما بخش عمده‌ای از این چشم‌انداز به شرکت‌کنندگان دوره‌های آتی، استعدادها و پتانسیل‌ها و انگیزه‌هایشان مربوط است و فقط می‌توان امیدوار بود و برای بهترشدن هر روزه این جریان تلاش کرد.

فرصت مکسر برای بخت‌آزمایی مکشوفین «ارغوان»

اوزن حقیقی، مؤسس و دبیر جایزه ادبی «ارغوان» درباره آنچه جایزه ارغوان از سر گذرانده و پس از این در پیش دارد می‌گوید: از نظر من چون گروه برگزارکننده جایزه «ارغوان»، پیش‌تر سه دوره جایزه ادبی دیگر برگزار کرده بودند، تجربیاتی داشتند و از این تجربیات برای شروع جایزه ارغوان استفاده کردند و البته تغییریاتی هم در جایزه اتفاق افتاد مثل اینکه حداکثر سن شرکت‌کننده‌ها ۳۰ سال باشد و تأکید داشتیم که این جایزه تنها و تنها در بخش ادبیات فعال باشد و هدف این بود که یک جایزه تخصصی ادبی را شکل بدهیم برای قصه‌اولی‌ها تا کشف استعداد رخ دهد. از اتفاقات خیلی خوب این بود که ما برای برگزیدگانم کارگاه برگزار کردیم و همه اتفاقات از دریچه دید ما در شورای سیاست‌گذاری و همین‌طور از دید هیئت انتخاب و داوران. چون داستان‌های دوره دوم به‌گواه این دو هیئت بهتر از دور اول بودند؛ مثلاً یک نفر در دوره اول، پنجم شده بود و در دوره دوم با تلاش بسیار خودش به جایگاه اول ارتقا یافت. البته خود همین اتفاق هم سبب ایجاد سوءتفاهم شده بود، چون جزء قوانین جایزه است که کسی اگر داستان چاپ‌شده چه به‌صورت فردی، گروهی، بلند یا کوتاه داشته باشد حق شرکت در مسابقه را به دوره قبلی نگذارد. این مسابقه عمل کرد. به‌ویژه که دیدیم کسانی که در دوره اول هم شرکت کرده بودند در دوره دوم هم شرکت کردند و نتوانستند حائز رتبه شوند. از آن بهتر اینکه بچه‌های دوره اول و دوم به هم وصل شدند و توانستند نشست‌هایی برای قصه‌خوانی و قصه‌نویسی برگزار کنند. ادامه این مسیر را نمی‌توان پیش‌گویی کرد ولی آرزو و خواست ما بی‌شک این است که تلاشمان در جهت بالندگی و فرهیخته‌ترشدن

اما درباره آینده جایزه ارغوان باید بگویم که اتفاقات خیلی زیادی در پیش است. جایزه ارغوان در حال بزرگ‌شدن است و هنوز مدتی زمان لازم است تا بتوانم اعلام کنم این وسیع‌تر شدن چطور اتفاق خواهد افتاد تا ما دیگر صرفاً یک جایزه نباشیم و مؤثرتر عمل کنیم. می‌خواهیم جریان مستمری را پیش بگیریم و به‌زودی در حال اجرایی‌کردن ایده‌هایی در شورای سیاست‌گذاری هستیم. سعی کرده‌ایم دوره آتی را پربارتر برگزار کنیم. در هیئت انتخاب تغییری داشته‌ایم. متأسفانه خانم سپیده شاملو ما جدا شده‌اند و به‌جای ایشان خانم میثرا البانی به ما پیوسته‌اند. به‌زودی اطلاعات تکمیلی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. با همکاری گالری «O» ورکشاپ هفتگی برای برگزیدگان در نظر گرفته‌ایم. این جدا از ورکشاپی است که هرسال در مؤسسه این‌جا برگزار می‌کردیم. به گمان من این جایزه در مسیر بلوغ است و این برای من جای خوشحالی دارد، چون برای ادبیات مهجور این سیزمین هم‌تا رقم‌زنده اتفاقات خوب است و حداقل شماری جوانان بااستعداد به عرصه می‌آیند. در عرصه موسیقی، سینما، تئاتر، نقاشی، مجسمه و... جوانان خوبی در سال‌های اخیر وارد شده‌اند اما در ادبیات چنین چیزی اتفاق نیفتاده و امیدواریم جایزه ارغوان بتواند این کمبود و انقطاع نسبی را جبران کند و در دوره پیش‌رو هم نویسندگان مستعد به دنیای ادبیات ورود کنند.

اوزن حقیقی تأکید می‌کند: وقتی کسی داستانی را روی سایت مسابقه بارگذاری می‌کند، آن داستان را به انتشارات هفت‌ترنگ که برگزارکننده جایزه است و واگذار کرده و حقوق مادی برای چاپ، نشر و... در اختیار این نشر است. وقتی داستانی جزو ۳۰ یا ۱۰ اثر نهایی قرار می‌گیرد، نویسنده نمی‌تواند دیگر حقی مجزا طلب کند و مالک حقوقی داستان ما هستیم. در دوره دوم به‌طور حیرت‌انگیزی یکی از ۱۰ برگزیده نهایی نخواست داستان‌ش در مجموعه داستانی این نشر مرکز منتشر می‌کرد. باشد! وقتی کسی با بارگذاری داستان قوانین را می‌خواند و در نهایت گزینه می‌پذیرم را تیک می‌زند، آن تیک‌زدن به‌مثابه

سال هفدهم • شماره ۳۵۹۸ روزنامه شرق

در بوته نقد

یادداشتی تحلیلی بر نمایش «مقدس» مقدس، جهان تغییر یا جهان سکون؟



● **محسن خیمهدوز** منتقد

● «مقدس» نوشته و کارگردانی سعید محمدی‌عبد، راوی خلیق یک «جهان ممکن غیرمتعارف» برای بیان اکسپرسیونیستی حالات ذهنی- روانی ساکنان «جهان ممکن» است که نسبت میان آنها را دوگانه‌های «خشنوت - مهر»، «سکوت - فریاد»، «بیان واضح - بیان مبهم» و «رفار اسلوموشن- رفکار پرسرعت» تشکیل می‌دهد. «جهان ممکن» که با نشانه‌های مقدس (مثل پوسه بر پای آن که حرمت دارد) همراه و عجین است؛ اما امر مقدسی که در گوهره این نسبت‌های «میان‌فردی» روان است، کمکی به خشنوت‌زدایی، خشم‌زدایی و تقویت مهرورزی و گفت‌وگو نمی‌کند.

نمایش «مقدس» در اجرای صحنه‌ای تجربه‌ای از یک روایت فرمال غیرخطی مبتنی بر زبان بدن به‌جای تکیه بر دیالوگ‌های متعارف است؛ تجربه‌ای دشوار در روایت صحنه‌ای که بیشتر به طراحی گرافیک رفکار نظر دارد تا میزانشن‌های متعارف و مانوس.

دیوارهای فضای بسته و سنتی نمایش در صحنه، پر از چارچوب‌هایی محدود و تغییرناپذیر و درعین‌حال میان‌تهی هستند که چارچوب‌های ذهنی افراد ساکن در این «جهان ممکن» را تداعی می‌کنند، جهانی که در آن، رابطه زن و مرد همچنان بر همان مدار رابطه سنتی می‌چرخد. جهانی که در آن مرد فریاد می‌کشد، تنک می‌زند و هراس می‌آفریند تا زن حساب ببرد. زن هم یا لال است و توان سخن‌گفتن ندارد یا در تلاش دائمی برای رفع خشنوت و حفظ صلح برای رفع درگیری‌های خشن است؛ آن‌چنان که کوپی در این «جهان ممکن غیرمتعارف»، نسبت‌ها همچنان همان «نسبت‌های متعارف سنتی و مقدس» باقی مانده‌اند.

نمایش «مقدس» در روایتگر اشاراتی است که دلالتگر ضرورت تغییر در رست جهان ساکنان است. تغییری که نیازمند رفتن از یک منظر بینشی به منظر بینشی دیگر است؛ به‌طوری‌که تا این شیفت‌منظرگاه اتفاق نیفتد، رفتن از جهان بسته موجود به جهان باز ناموجود، امکان‌پذیر و اتفاق‌افتادنی نیست. رفتن از جهان بسته قالب‌ها و چار‌دیواری‌های بسته پرخشنوت و پرفریاد به سمت جامعه‌ای باز و فاقد خشنوت. گذاری که با نشانه‌های موجود در نمایش «مقدس»، گویا بدون خشنوت ممکن نیست.

پرسشی که نمایش در میانه روایت مطرح می‌کند، این است که آیا ارتباط بین جهان‌های ممکن امکان‌پذیر است؟ هم ارتباط بین جهان‌هایی که باید در پی یکدیگر بیایند، هم ارتباط بین جهان‌های افراد ساکن در یک «جهان ممکن». آیا گذر از یک «جهان ممکن راکد و بسته» به یک «جهان ممکن باز و سیال»، شدنی و امکان‌پذیر است؟ پاسخ نشانه‌شناختی نمایش «مقدس» به این پرسش، مثبت است. زنگ تلفن و اعلام مرگ مادر (مرگ نمادینش از یک امر بنیادین) بیانگر این پاسخ مثبت است.

ریتم نمایش در طرح این پرسش تا رسیدن به پاسخی نمادین، ریتم مناسبی است که بین سکون و فریاد، خشنوت و مهر و ماندن در چارچوب و تلاش برای خروج از چارچوب، به صورت ریتمی گرافیکی سامان یافته است؛ ریتمی که بخشی از ارزش زیباشناختی نمایش در اجرا محسوب می‌شود.

وجه دیگر زیباشناختی نمایش «مقدس»، به ترکیب پذیرفتنی بین اجرای متنی و صحنه‌ای آن مربوط می‌شود. ترکیبی از:

- «تخیل خلاقانه یک جهان ممکن غیرمتعارف» - «تجسم خلاقانه یک جهان ممکن غیرمتعارف» در فرمی از گرافیک رفکاری در صحنه.

- «ریتم خلاقانه کشش دراماتیک» برای دراماتایزه‌کردن روایتی غیرخطی و نامتعارف از یک جهان ممکن غیرمتعارف.

نمایش «مقدس» در نهایت با یک پرسش به پایان می‌رسد: این پرسش که آیا بازگشت کاراکترها به خواب اولیه، تداوم ماندن در خواب و خیال است یا آغازی بر یک بیداری نوین؟ برای گذار از فضای بسته به فضای باز؟ متن نمایش و اجرای صحنه‌ای آن پاسخی برای این پرسش ندارد. پاسخ اما در جای دیگری است. پاسخ حاصل یک دیالکتیک است؛ دیالکتیک حاصل از مواجهه «پیش‌فرض‌های نهفته در اذهان مخاطبان نمایش» با «متن نمایش».

گالری گردی

● **گروه هنر:** نمایشگاه گروهی «دفترچه» با گردآوری امیر شملسانی در گالری افرند افتتاح شد. در این نمایشگاه آثاری از هنرمندانی مانند علیرضا آدم‌بکان، مرضیه آشتیان، بهادر پوردارابی، غزاله تولکمند، محسن شیمرمدری، علی خسروی، نیلوفر خلیج، سارا جولایی، شیم‌اخصری، شایا شهرستانی و... به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه تا جمعه ششم دی در گالری افرند به نشانی تهران، بزرگراه جلال آل‌احمد، خیابان جهان‌آرا، خیابان نوزدهم (جلال حسینی)، بعد از تقاطع اشک‌شهر، پلاک ۴۸ میزبان علاقه‌مندان است.

هنر